

بررسی حفاری‌های نفتی در مناطق جنوب در عصر قاجار

۱- فریا مهرمند*، ۲- مسلم میرزاوند

۱- گروه تاریخ، واحد شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر ری، ایران

۲- کتابدار کتابخانه‌های عمومی شهرستان اندیمشک

چکیده

پس از انقلاب صنعتی، تغییر و تحولاتی برای سرعت بخشیدن به تولیدات مصنوعی و برآوردن نیاز جوامع، نفت بهترین سوخت به جای ذغال سنگ در نظر گرفته شد که از آن محصولات و مشتقات دیگری نیز بوجود می‌آمد. در این تحقیق، شروع آن با تاریخچه نفت از کشف و استخراج در کشور ایران، رقابت میان بیگانگان برای رسیدن به آن شدت گرفت و اولین امتیاز نفت جنوب ایران توسط مظفرالدین شاه قاجار به ویلیام نوکس دارسی تبعه بریتانیا واگذار کرد و نیز با اشاره به اینکه در آن زمان هیچ حزب سیاسی وجود نداشت و مردم آبادان زیر نظر فردی به نام شیخ خزعل و نواحی بختیاری نشین خوزستان نیز تحت نفوذ سردار اسعد برآن حاکم و هردو شخصیت تحت نفوذ انگلیس‌ها بودند، اما هرچه بود موقعیت استراتژیکی ایران و وفور و ارزانی نفت آن، مهمترین علت حضور بیگانگان در ایران بود و در این فاصله انقلاب

شوروی، روسیه را از ادامه جنگ و رسیدن به پیروزی و آرزوهای تزار به مدت کوتاهی از نفوذ آنان بر ایران کاست.

واژه های کلیدی: نفت، دارسی، جنوب، شیخ خزعل، سردار اسعد.

مقدمه

در تحقیقاتی که از مقوله نفت و چگونگی پیدایش و نشانه‌های آن در طی سالهای متمادی تا به امروز توسط مورخان و محققان به موضوعات پیرامونش که بیشتر جنبه سیاسی را در بر می‌گرفت، انجام شده است. در این پژوهش به پیدایش، علت کاوشها و حضور بیگانگان و نقش اهالی بومی به طور مختصر اشاره شده است.

از موارد مجهول: بررسی نفوذ بیگانگان در ایران، بررسی تأثیرات کشف نفت بر مناطق بومی و رابطه آن با حضور خارجیان، اعطای امتیاز بهره برداری نفت در دوره قاجار. با این تذکر که در کنار مطالب گفته شده سؤالاتی بر ذهن نقش می‌بندد که:

۱. آیا کشف نفت در دوره قاجار باعث پیشرفت کشور شد؟
 ۲. آیا با بهره برداری از نفت جنوب، امتیازاتی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی را برای اهالی منطقه (جنوب) در بر داشت؟
- و اینکه با پیدایش نفت در ایران در عصر قاجار تحولاتی حاصل شده فقط شامل هزینه‌های سفر به اروپا را برای شاهان قاجار و همراهانش را در پی داشت؛ اما برای اهالی مناطق جنوبی استفاده از نفت تنها باعث آبادانی آنان گردید.

اهداف:

- بررسی تحولات حفاریهای نفتی در مناطق جنوبی ایران در عصر قاجار.
 - امتیازات پیدایش نفت در عصر قاجار.
- در این تحقیق، بخشهایی از منابع موجود حاوی مطالبی از یادداشتها، اسناد و همچنین مقالاتی که توسط محققین عصر حاضر منتشر کرده اند، استفاده شده است.

نگارندگان سعی نموده تا بخش ناچیزی از این رویداد تاریخی را به رشته تحریر در آورد که در این راستا بدلیل حساس بودن مبحث نفت از جنبه سیاسی و اقتصادی نظرات خویش را کمتر در آن دخیل نموده و در این رابطه، هدف زنده کردن یاد و خاطرات تلخ و شیرین لحظه‌های به یاد ماندنی از پیدایش نفت و گستره‌ی منافع و ضررهای این منبع طبیعی است که در دوره قاجار زمینه را برای رقابت بین قدرت‌های منطقه نمود.

تاریخچه نفت

انسان از بدو خلقت تا عصر حاضر سعی نموده برای رسیدن به اهدافش همواره دست به اقداماتی بزند که گاه سبب خیر می‌شود و گاهی نیز بالعکس سهواً یا عمداً در مسیر بدی‌ها به حرکت خویش ادامه می‌دهد. با نگاهی اجمالی به تاریخ پیشین، در می‌یابیم که این مقاصد همواره برای گسترش و بسط دادن به یک سرزمین و یا بهره‌برداری از منابع موجود در سرزمین‌های مورد تهاجم بود که به دنبال آن جنبشها و نهادهای مبارزاتی برای جلوگیری از این اعمال در سرزمین اشغال شده، تشکیل می‌یافت. مدت زمان طولانی صرف می‌گردید تا این موانع از سر راه برداشته شود.

به عبارتی احمد کسروی می‌نویسد: از رویدادهای مهمی که باعث معروفیت و تا حدودی سبب آبادی در این قطعه (جنوب) از کشورمان با شرایط آب و هوایی گرم در بیشتر فصول سال شد موضوع نفت است، که از دوره باستان چشمه‌های نفت و استرابو نیز در دو هزار سال پیش بدان اشاره کرده است. در مناطق جنوبی مردم خوزستان بویژه شوشتریان و بختیاریان از نفت‌هایی که از زمین بیرون می‌زد، در خیک‌ها جمع نموده و استفاده می‌کردند و همچنین قیر که یکی دیگر از محصولات‌های خوزستان بود، از چشمه‌های طبیعی بدست می‌آمد و دولت سالیانه دو هزار تومان مالیات آن چشمه‌ها را می‌گرفت (کسروی تبریزی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۹).

ایران از جمله کشورهایی است که همیشه در تاریخ نقش اصلی و پُر رنگی را ایفا می‌نمود که تا به امروز همانند گذشته این نقش را در عرصه سیاسی ادامه می‌دهد و منابع نفت آن پس از کشف و استخراج، تحت‌الشعاع قرار گرفت و سبب شد تا رقابت میان بیگانگان برای رسیدن به آن را تشدید کند.

در این زمینه با توجه به استناد قرداد ۱۹۰۷ بین روس و انگلیس که ایران را با توجه به ذخایر طبیعی به دو محدوده تقسیم شد و نیز توضیحات به اصطلاح موجه از قرارداد فیما بین دو استعمارگر به امور خارجه و دولت وقت قاجار به استحضار مقامات ارشد ایران اطلاع رسانی شد (اسناد ۱-۳)، با این موارد که:

۱. رعایت استقلال و تمامیت ارضی ایران از جانب دو قدرت (روس و انگلیس).
۲. برای جلوگیری از برتری دولتی (روس و انگلیس) و درگیری و اختلاف بین دو قدرت. در قسمت استعمار شاهد پیشرفت تکنولوژی غرب و اهمیت نفت تقریباً رایگان ایران در اروپا، به جای زغال سنگ بود که ماشین جنگی بریتانیا را به حرکت در آورد، ولی نفت ایران جایگاه آن را بیشتر کرد و کشور را در دوره قاجار همانطور که پیش از این بدان اشاره شد، بدو قسمت: نفت شمال برای روسیه و نفت جنوب برای انگلیس. این پیامد، رقابت تنگاتنگ میان این دو قدرت استعمارگر گردید و این کشمکش سبب آسیب رساندن به اقتدار این سرزمین در این مقطع از زمان نمود.

در مناطق جنوبی کشورمان، اولین امتیاز نفت جنوب ایران را که شامل اکتشاف، استخراج و تصفیه بود در مه سال ۱۹۰۱ میلادی (صفر ۱۳۱۹ هجری قمری) مظفرالدین شاه قاجار، به ویلیام نوکس داریسی تبعه بریتانیا واگذار کرد. (مشکور، ۱۳۸۱، ص ۳۶۰) وی که فاقد تجربه علمی از زمین شناسی بود اما با اعتقاد به نشانه‌های از نشت گاز و نفت به لحاظ تاریخی و با توجه به موقعیت‌هایی که آتشکده‌های زردشتی آن را تأیید می‌کرد، شروع به کاوش‌های خود در مناطق مختلف ایران نمود اما سرانجام در سفری چند روزه با قاطر و شتر به مناطق نشت رسید ولی با ناکامی‌هایی و جذب بیشتر سرمایه در زمانی که خواست این شرکت را رها کند اما در سال ۱۹۰۸ در نزدیک نشت‌های مسجد سلیمان مقادیر قابل توجهی نفت در عمق ۱۱۸۰ پایی و در لایه‌ی صخره‌ای که بعد از آن «سنگ آهک آسماری» نام گرفت، پیدا کرد. (فیشر، ۱۳۸۶، صص ۶۴۹-۶۴۸)

جلال فرهمند این رویداد را بدین گونه تعبیر می‌کند که: «با کشف نفت زمانی که نیزه استعمار پیر بر قلب زمین فرو نشست. زمین زخمی شد و خون آن به ارتفاع ۱۷ متر و حتی بالاتر از دکل حفاری شرکت در منطقه نفتون مسجد سلیمان فوران کرد و برقی هفتاد ساله بر چشمان صاحبان

شرکت جهید. تاریخ ایران و مسجد سلیمان یکی شد و دوران جدید استعمار غرب در ایران شکل یافت و در همین هنگام مظفرالدین شاه بر ماشینی که با بنزین می‌سوخت و دود غلیظی از آن خارج می‌شد در خیابان‌های پاریس به تفرج مشغول بود و شاه نمی‌دانست در آنسوی این تفرج ساده لوحانه وقایع مهمی چون انقراض خاندانش، آمدن خاندانی دیگر، ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸ مرداد... نهفته است.» (فرهمند، «ماهنامه الکترونیکی بهارستان»، ص ۷)

اما در نهایت با پیدا شدن نفت در سال ۱۹۰۸ در ایران و با تغییر نیروی محرکه ناوگان بریتانیا از زغال سنگ به نفت. در سال ۱۹۱۷ با انقلاب بلشویکی روسیه، انگلیس به تنهایی عهده‌دار مداخله در امور ایران شد، زیرا ایران حساس‌ترین منطقه از نظر انگلیس بود که بین کشورهای عربی و امپراطوری انگلیس در هند قرار داشت. (افراسیابی، ۱۳۸۲، ص ۹۴)

چگونگی اکتشاف نفت جنوب

سرتیپی ایرانی در ابتدا سعی نموده تا نظر شرکت راث چایدرا^۱ را به خود معطوف کند، اما نتوانست و بنابراین امتیاز را به ویلیام ناکس دارسی مردی کوتاه قد، فربه، با چشمان بیحرکت که وکیل و اهل دون شایر، که ثروتی عظیم از معادن طلای استرالیا اندوخته بود، داد. در سال ۱۹۰۱ با همه مخالفت‌های شدید روس، دارسی از شاه ایران امتیاز شصت ساله گرفت که هفت سال بعد به این امید که میزان قابل توجهی نفت بیابد چاه‌هایی را حفر نمود که هزینه سنگینی برای وی در بر گرفت و سرانجام کیسه دارسی خالی شد. (هاوزر: مجله یغما، شهریور ۱۳۳۳، شماره مسلسل ۷۴)

شرح این کاوش توسط علی اصغر شمیم به گونه‌ای دیگر روایت شده است: یک نفر ایرانی به نام کتابچی خان برای اولین بار آثار سطحی نفت را در طی مسافرت خود به نقاط غرب مشاهده نمود، وی به دلیل شغلش که متصدی اداره گمرک بود، مطمئن شد که منابع بزرگ نفت در ایران وجود دارد و در سفرش به پاریس با سر هنری دروموندولف^۲ وزیر سابق انگلیس ملاقات کرد و با اشاره به مقاله دمرگان^۳ (باستانشناس) و نیز مشاهدات خود، از سر دروموندولف تقاضا

¹ company Rath Chidera

² Sr. Dro Mondolp

³ Domergan

کرد تا با وسایل و همچنین سرمایه‌داران انگلیسی در میان بگذارد و از آنها دعوت کند تا برای استخراج نفت به ایران بیایند. در این بین سردروموندولف با شخصی به نام ویلیام ناکس داری آشنا شد و با تشویق وی و هدایت او به سمت ایران شد. (شمیم، ۱۳۷۵، صص ۲۹۸-۲۹۷)

ویلسون که کتابی از خاطرات مسافرت خود به مسجدسلیمان نوشته بود، می‌گوید: «در سحرگاهان روز ۲۶ ماه مه یکی از دو چاه آزمایشی به نفت رسید. صبح خیلی زود بود؛ من در جلوی چادر خود در آن نواحی در خواب بودم، ناگهان صدای مهیب و سهمناکی به گوشم رسید و سرو صدای زیادی برپا شد. با شنیدن سر و صدای غیرعادی و داد و فریاد کارگران بیدار شدم و به طرف چاه دویدم، نفت؛ آری نفت به جوش آمده و به شکل ستون سیاه رنگی در حدود صد فوت از نوک دکل حفاری بالا می‌زد و در هوا پخش می‌شد و بر سر و صورت کارگران می‌پاشید. چیزی نمانده بود که حفاران و مهندسين كانادایی، انگلیسی و کارگران زحمتکش ایرانی از گاز بوی بد این ماده غلیظ سیاه تلف شوند.» (عباس شهنی، ۱۳۸۳، ص ۹۹)

رینولدز^۱ شب بعد به همراه دستیارش با هیجان و غرور مژده این افتخار را با رمز به انگلستان از بصره اعلام کرد: اما چون ارسال تلگراف از مسجد سلیمان حدود یک هفته به طول می‌انجامید. ویلسون ۴۸ ساعت بعد با آب و تاب فراوان به وسیله اداره تلگرافخانه شوشتر به سرگرد کاکس سرکنسول انگلیسی در بوشهر تلگراف زد و وی چون رمز تلگراف را نداشت بدین مضمون مخابره نمود: «قرائت کنید مزمور «۱۰۴»، آیه «۱۵» سوره دوم و مزمور «۱۱۴»، آیه «۸» سوره سوم «انجیل مقدس» را که می‌فرماید: باریتعالی روغن را از دل خاک بیرون آر و به سیمایم روشنی و بشاشت عنایت فرما؛ و اینکه اولین سنگ آتش زنه در یک چشمه فیاض نفت در مسجد سلیمان» کاکس که کتاب تورات و انجیل را در اختیار داشت به رمز آن واقف شد. (عباس شهنی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۰) با کشف نفت، دور از انتظار نبود که بدنبال آن شادی و سرور را برای داری و مقامات ارشد کشورش همراهی نکند، در حالیکه نقطه مقابل بیرون کشیدن نفت از رگه‌های زیرزمینی مساوی با تحمیل قراردادی ننگین و مهری از بی‌لیاقتی شاهان قاجار بر پیشانی آنان تا به امروز نهاد.

¹ Reynolds

اما با شروع جنگ جهانی اول (۱۳۲۶-۱۳۳۳ قمری) همچنان تا سال ۱۹۱۴ میلادی سی حلقه چاه دیگر در مسجدسلیمان حفر گردید و خطوط لوله نفت، آب خوراکی از رود کارون با لوله، تعمیر کارخانه و انبار ملزومات، بیمارستان و... باعث آبادانی مسجدسلیمان گردید. (شمیم، ۱۳۷۵، ص ۳۰۸) بنابراین در پی پیدایش این ثروت عظیم، در مناطق گرمسیر جنوب ایران که دولتمردان وقت بدان توجهی نداشتند، به خودی خود دلیلی برای سرازیر شدن نیروهای انسانی؛ ازدیاد جمعیت؛ اسکان دائمی؛ ترکیب قومی و نژادی؛ امکانات رفاهی و درمانی و ... پیشرفت را به این دیار با خود همراه نمود.

رابطه نفت و خوانین محلی خوزستان

احمد کسروی در تاریخ پانصد ساله خوزستان اشاره می‌کند: «از زمان مظفرالدین شاه، شیخ خزعل پر زورترین فرد در خوزستان شده بود و در دربار نیز نفوذ فراوانی داشت و شاه ساده لوح زمین‌های خالصه خوزستان را به او بخشید و چون زمین اهواز خالصه دولت بود شیخ روی آنها دست انداخته و حکومت ناصری را به یکی از پسران خود سپرد. از این رو افرادی که می‌خواستند در آنجا خانه‌ای بسازند و یا بنیاد دیگری بگذارند بایستی زمین را از شیخ و خاندانش بخرند». (کسروی تبریزی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۳)

به طور خلاصه می‌توان چنین گفت که در سال ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹ وقتی نفت کشف شد، در آن زمان هیچ حزب سیاسی وجود نداشت و مردم آبادان در آن زمان زیر نظر شیخ خزعل و نواحی بختیاری نشین خوزستان نیز زیر نظر سردار اسعد بود که تحت نفوذ انگلیس‌ها بودند و ۳٪ درصد در آمد نفتی را انگلیسی‌ها به این طوائف می‌دادند، تا از خط لوله‌های نفتی محافظت کنند. (تصاویر الف - ی)

۱۹۱۲ سالی درخشان بود که ایران و انگلیسی عملیات کشیدن خطوط لوله و تصفیه نفت آبادان و تکمیل شد و در سال ۱۹۱۵ جنگ جهانی اول، عوامل آلمانی صدماتی به خط لوله وارد کردند که انگلیس خسارت آن را از دولت ایران مطالبه نمود و اما در منطقه خوانین بختیاری نفوذ بیگانگان بدین صورت انجام شد که رینولدز یک مهندس آگاه و زمین‌شناسی متبحر و همچنین سوارکاری ورزیده بود که می‌توانست در راه‌ها و کوه‌های صعب‌العبور به آسانی اسب

سواری می‌کرد و براحتی دو منطقه را بررسی نمود، یکی منطقه شاردین و ماماتین در ۵۵ میلی شرق اهواز نزدیک رامهرمز و منطقه دیگر در میدان نفتون در زمین‌های بختیاری در مسجد سلیمان. رینولدز قبل از ورود به سرزمین بختیاری به ملاقات کنسول انگلیس در اصفهان رفت و با کمک پرسی کنسول وقت انگلیس با مذاکره، موفق به عقد قرار داد گردید. در آن موقع سردار اسعد در رأس خوانین بود و از میان ایلخانان و ایل بیگ‌ها هیچ یک ریاست و نفوذ عشیره‌ای را مانند او نداشتند و رینولدز بدون نفوذ آتی وی نمی‌توانست مفاد قراردادی را که با بختیاری‌ها منعقد ساخته بود، به موقع به اجرا در آورد. بالاخره در تاریخ «۱۵ نوامبر سال ۱۹۰۵م» با موافقت خوانین بختیاری سه سهم عادی کمپانی و یا هر شرکت دیگری که در آینده در این منطقه تشکیل گردد متعلق به آنان باشند و علاوه بر این کمپانی‌ها باید مبالغی برای استخدام و پرداخت حقوق کاردهای محافظ عملیات حفاری و کارگران نصب لوله‌های نفتی را بپردازند. این توافقات با خان‌های بختیاری بعداً منجر به تشکیل «شرکت نفت بختیاری»^۱ به عنوان یک مؤسسه تولید کننده شد. (عباس شهنی، ۱۳۸۳، صص ۸۱-۷۷)

این قرارداد توسط صمصام السلطنه - علیقلی بختیاری (سردار اسعد) - شهاب السلطنه - صارم الملک به تاریخ ۱۷ شهر رمضان مبارک سنه ۱۳۲۳/۱۵ نوامبر سال ۱۹۰۵ و شرکاء انگلیسی با مضامین زیر در شش فصل بسته شد که (اسناد ۶-۴):

۱. به مدت ۵ سال شرکاء کمپانی برای تفحصات نفت، شوارع، راه‌ها و راه لوله‌ها و در اختیار گذاشتن زمینهای مورد نیاز مسیر کار با تعیین قیمت عادلانه.
۲. مبلغ سالی یکهزار لیره انگلیس و مجموعاً سه هزار لیره به اقساط هر سه ماه برای حفاظت از راه‌ها و امکانات نفتی بدهند و بعد از تشکیل کمپانی نفت و جریان نفت در لوله‌ها از هر صد سهم شرکت؛ سه سهم شرکت، بخوانین عظام بختیاری بدهند.
۳. در صورت دایر کردن چاه نفتی، اگر خرابی و ضرری بخوانین بختیاری از سوی کمپانی شد برای رفع این ضرر کنسول انگلیس مقیم اصفهان، واسطه و حکم باشد.
۴. خوانین بختیاری باید حاکم و رئیس مخصوص معین نمایند تا بر مستحفظین و عملیات و تسهیل و اجرا نظارت داشته و اگر هر کدام از مستحفظین و اجزاء و عملیات

^۱ bakhtiarian.oil.company

ایرانی در خدمات رسانی کوتاهی نمایند به تصویب و کیل کمپانی، آنها را تنبیه و مجازات دهند.

۵. مبلغی را که خوانین عظام بختیاری به موجب این قرارداد از شرکاء کمپانی می‌گیرند در مقابل اعمال و کارهای مشروحه یاد شده، در صورت کوتاهی و اشتباه شرکاء کمپانی حق مطالبه غرامت و ضرر را از خوانین دارند (با اطلاع خبر کنسول انگلیس مقیم اصفهان).

۶. بعد از انقضاء مدت امتیاز کمپانی، هر قدر عمارت در خاک بختیاری‌ها است به خوانین بختیاری تعلق خواهد داشت.

اما همانطور که قبلاً اشاره شد کشف و استخراج نفت در دسرهایی را نیز بدنبال داشت، آن هم هجوم نیروهای خارجی از سوی نوارهای مرزی شمال، غرب و جنوب به میهن عزیزمان در عصر قاجار گردید و کشور را مورد تاخت و تاز و آشفستگی احوال نمود.

سرهنگ غلامرضا نجاتی درباره موضوع نفت اینچنین اشاره می‌کند که: با شروع جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) دو رقیب دیرین، بصورت متحد علیه دولت آلمان، در کنار یکدیگر قرار گرفتند و با وجود اعلام بیطرفی دولت ایران، چند واحد از ارتش دولت بریتانیا در خاک ایران پیاده شدند و به نیروهای روسیه، که پس از اولتیماتوم سال ۱۹۱۱ میلادی، همچنان نواحی شمال کشور را در اشغال داشتند، پیوستند. عثمانیها نیز به خاک ایران تجاوز کردند. (نجاتی، ۱۳۸۷، صص ۶-۵)

به گفته محمد جواد مشکور؛ در شروع جنگ جهانی اول متفقین کشورهای انگلیس، روس و عثمانی، آلمان، اتریش متحدین بودند و قرارداد سال ۱۹۱۵ شوروی و انگلیس ایران را به دو قسمت: روسها در شمال تا حدود یازده هزار قوای قزاق تهیه کند و انگلیسی‌ها هم به همین اندازه در جنوب ایران قوایی به نام پلیس جنوب آماده نمودند و یکسال قبل از پایان یافتن جنگ جهانی اول، روسیه تساری (تزاری) بر اثر انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ که به همت لنین روی داد؛ نیکلای دوم تسار جابر روسیه، به دست مردم شوروی به قتل رسید و در همین زمان پای مداخله روسیه در امور ایران قطع گردید. (مشکور، ۱۳۸۱، صص ۳۷۸-۳۷۷)

انقلاب شوروی، روسیه را از ادامه جنگ و رسیدن به پیروزی که از آرزوهای تزار و اطرافیانش بود مانع شد و مهم ترین اصل، لغو تمام عهدنامه‌ها و امتیازهای عهد تزارها ایران را به گونه معجزه آسایی از تمام تعهدهای ناشی از پیامد عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای در سال ۱۹۱۸ رها کرد و همه باطل شد. (زرین کوب، ۱۳۸۷، ص ۸۳۱) اما پس از شکست آلمان و متحدین آن در جنگ جهانی دوم و پیروزی متفقین، تغییرات مهمی در انتقال کانونهای قدرت در ایران ایجاد کرد. بریتانیا از فاتحین اصلی جنگ با از دست دادن مستعمرات وسیع خود، به یک قدرت درجه دوم تنزل کرد و اتحاد جماهیر شوروی با اشغال اراضی وسیعی در شرق اروپا و نفوذ در کشورهای اروپایی شرقی، به صورت یک ابر قدرت در آمد. آمریکا، نیرومندترین قدرت اقتصادی و صنعتی جهان شناخته شد و با حضور در صحنه سیاسی خاورمیانه، خواهان سهم خود از منابع بیکران نفت حوزه خلیج فارس گردید. (نجاتی، ۱۳۸۷، صص ۹-۸)

علت حضور بیگانگان در ایران چه بود؟

از جمله عواملی که می توان بدان اشاره کرد پس از انقلاب صنعتی است، تغییرات و تحولات حاصله سبب پیدایش ماشین آلات سنگین برای تولید بیشتر، که سراسر اروپا را در بر گرفت؛ زمینه ای شد تا برای به حرکت در آوردن این ابزار مکانیکی خودکار از انرژی های طبیعی بهره گیرند که فراهم آوردن این منابع، در سرزمین های دیگر و تحمیل انواع سیاست ها با روشهای گوناگون دست به اقداماتی زدند، که همانا شیوه استعمارگری و به استثمار کشیدن این کشورها بود. اما این زورگویی ها سرانجام توسط تحركات و جنبش های خواه مردمی یا سیاسی، ضعیف و یا نابود می شد که کشور ایران نیز مستثنی نبود؛ بلکه در سراسر پیشینه تاریخی خود همواره مورد تاخت و تاز قرار می گرفت که تا به امروز در جهان همیشه نامی پر آوازه، داشته و دارد.

از دیگر سوی حضور بیگانگان در ایران موقعیت استراتژیکی ایران و وفور و ارزانی نفت آن، یکی دیگر از عوامل مهم تجاوز نیروهای نظامی بریتانیا و روس ها، تصاحب نواحی مهم ایران برای حفظ منابع عظیم نفت و همچنین در اختیار گرفتن راه آهن سراسری جنوب به شمال برای حفظ منافع خود و راهی برای تسلط بر مستعمرات دیگر که از ایران می گذشت، بود.

اهمیت صدور نفت در ایران در جنگ جهانی اول در تأمین سوخت ناوگان جنگی و دیگر مصارف نظامی، انگلستان را بر آن داشت تا اعمال تدابیر امنیتی، مانع از سرایت جنگ به خوزستان شود. برای این منظور سه ماه پس از آغاز جنگ، چند واحد نظامی انگلیسی بندر بصره را اشغال کردند تا از نفوذ عوامل خرابکاران آلمانی و عثمانی برای توقف عملیات استخراج و صدور نفت ایران جلوگیری کنند. اما با وجود این پیشگیری‌ها، در فوریه ۱۹۱۵ عمال آلمانی، لوله نفت بین مسجد سلیمان و پالایشگاه آبادان را قطع کردند و حدود سه ماه باعث وقفه در صدور نفت شد. لذا بدلیل احساس خطر در همین اوضاع که پیشروی واحدهای نظامی عثمانی در غرب ایران و خوزستان شدت گرفته بود، انگلیس چند واحد نظامی در خوزستان پیاده نمود و از آن پس از مراقبت‌های گسترده دولت انگلیس در مناطق نفتی، عملیات صدور نفت تا پایان جنگ بدون مشکل مهمی ادامه یافت. (نجاتی، ۱۳۸۷، ص ۲۱)

با این اوصاف کشور ایران از دیرباز همواره در عرصه تاریخی نشانه‌هایی از خود در تمام زمینه‌ها را در متن خویش جای داده است، که نفت و مشتقات آن نیز جوهر کتابت ثبت وقایع تاریخی را پررنگ‌تر از سایر رویدادها جلوه گر کرده است، تا آنجا که همگان را در هر طبقه، جایگاه و قومیتی در نقش‌های مثبت و منفی، به نوعی درگیر نموده است.

نتیجه‌گیری

نفت به عنوان یک منبع طبیعی با معروفیتش سرمایه‌ای عظیم، که پس از ذغال سنگ بعنوان طلای سیاه شناخته شد؛ جایگزینی مناسب و با صرفه برای سرعت بخشیدن به سوی پیشرفت و تکنولوژی بود و از سوی دیگر عاملی برای تسخیر سرزمین‌ها و غارت منابع و معادن برای مهاجمان و تازه واردان شد و این رویداد نیز توسط شاهان قاجار (هزینه سفرهای خارجه با همراهان و خوشگذرانی هایشان) که عامل تحریک کننده‌ای بودند تا بار دیگر آسایش از این سرزمین کوچ کند و زمینه را برای چپاول و حضور بیگانگان و استعمارگران به ارمغان آورد. در این میان نیز خون‌هایی ریخته شده که بی‌نتیجه نبود بلکه این جانفشانی‌ها حاصل آن بعدها، ملی شدن نفت را و بحث ملی شدن سبب بر افروختن شعله‌های خشم استعمارگران به خصوص انگلیس شد و برای رسیدن به اهداف خود دست به اقداماتی زد که نتیجه آن شکست و خنثی

شدن، بود با این حال همچنان ادامه داد تا اینکه با فشارهای اقتصادی و سیاسی خارجی سبب تحلیل توان دولت شد و توطئه‌گری‌های مداوم عمال انگلیس، آلمان و روس و افراد نفوذی که همانا سران قبایل و یا دست نشانده‌های مخفی درباری بود، راه را برای تفرقه ایجاد نمود تا با اقدامات نابخردانه‌شان زمینه را مساعدتر و بهانه‌ی تثبیت حضورشان شود. این دولت‌ها با سیاست‌های استعماری خود گاهی عشایر را به عنوان ابزاری تحریک کننده علیه دولت مرکزی و یا از آنان در جهت حفظ منافع تجاری خود استفاده می‌کردند.

البته بایستی متذکر شد که این علل و عوامل باعث تحولات و تغییرات در کشور شد؛ و آن توجه به شهرهای جنوبی با گرمای تابستانی کلافه کننده‌اش که کمتر کسی تمایل به تحمل آن را داشت به یکباره با این انقلاب نفتی، علتی برای حضور و مهاجرت از دیگر نقاط خارجی و داخلی برای یافتن کاری سود آور شد و تاحدی آبادانی برای اهالی محروم این مناطق فراموش شده را فراهم کرد.

منابع

۱. افراسیابی، بهرام: اسرار شاه - حکایت هویدا، تهران، انتشارات مهتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۲. زرین کوب، عبدالحسین: روزگاران (تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی)، تهران، انتشارات سخن، چاپ هشتم، ۱۳۸۷.
۳. شمیم، علی اصغر: ایران در دوره سلطنت قاجار (قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم هجری قمری)، تهران: انتشارات مدبر، چاپ هفتم، ۱۳۷۵.
۴. عباس شهنی، دانش: تاریخ مسجد سلیمان (تاریخ تحولات صنعت نفت)، تهران، انتشارات - هیرمند، (نوبت چاپ نامعلوم)، ۱۳۸۳.
۵. فیشر، ویلیام بین: تاریخ ایران کمبریج، جلد اول: سرزمین ایران، ترجمه تیمور قادری، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۶. کسروی تبریزی، احمد: تاریخ پانصد ساله خوزستان، تهران، انتشارات دنیای کتب، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

۷. مشکور، محمد جواد: تاریخ ایران زمین (از روزگار باستان تا انقراض قاجاریه)، تهران، انتشارات صفار، چاپ هفتم، ۱۳۸۱
۸. نجاتی، غلامرضا: جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران از بنادر جنوبی ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم، ۱۳۸۷

مقالات و مجلات:

۱. فرهمند، جلال: خون زمین (۱)، «ماهنامه الکترونیکی بهارستان»، شماره ۲۱، صفحه ۹
۲. هاووزر، ارنست، او: «آیا نفت ایران از نوروان خواهد شد»، مجله یغما، شماره مسلسل ۷۴، شماره ششم، سال هفتم، شهریور ۱۳۳۳، ترجمه ع.م.ع. از مجله ساتروی اوینینگ چاپ آمریکا شماره سوم جولای ۱۹۵۴

سایتهای اینترنتی

۱. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران www.iichs.org
۲. سایت ایران و استعمار انگلیس www.bcir.ir

